فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc25773261)

[ادله بر نیات سوء و خیر 2](#_Toc25773262)

[طایفه اول احادیث در باب نیات 2](#_Toc25773263)

[اطلاق روایت طایفه اول 3](#_Toc25773264)

[نیّت و همت 4](#_Toc25773265)

[طایفه دوم 4](#_Toc25773266)

[طایفه سوم 5](#_Toc25773267)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول / تجری / ادله حرمت تجری

# اشاره

در هشتمین دلیل برای حرمت تجری، به روایاتی رسیدیم که دلالت می‌کرد بر اینکه بر نیات سوء هم مجازات و عقاب وجود دارد.

چون به این مبحث رسیدیم و گفتیم: ظاهر در این روایات این است که بر نیات سوء هم مجازات تعلق می‌گیرد، روایات معارضی هم دارد که می‌گوید: بر نیات سوء مؤاخذه و مجازات نیست، ازاین‌جهت گفتیم که این دلیل هشتم که تعدادی از روایات بود، علاوه بر جواب اول و دوم، جواب سوم این بود که معارض دارد، منتهی چون به این مبحث رسیدیم، به نظرم آمد که کمی بیشتر توضیح بدهیم، چون این مبحث، هم جنبه فقهی دارد و هم جنبه اخلاقی و معارفی دارد، ارزش این را دارد که کمی همه ابعادش را جامع‌تر متعرض بشویم.

# ادله بر نیات سوء و خیر

ادله‌ای که در باب نیات سوء و عزم و تصمیم بر معصیت وارد شده است، چند طایفه دارند، لااقل به نظر می‌آید که چهار طایفه است، ممکن است مواردی دیگر باشد که اضافه بکنیم، اما در حال حاضر حدود چهار طایفه اخبار و احادیث در باب نیات سوء داریم:

# طایفه اول احادیث در باب نیات

1 – طایفه اول؛ روایاتی که با اطلاقش افاده می‌کند که بر نیات سوء هم عقاب مترتب می‌شود و بر نیات خوب ثواب مترتب می‌شود، قاعده‌های کلی دارد که به اطلاقش شامل نیات سوء هم می‌شود، نه اینکه بخصوص نیات سوء را بیان بکند، بلکه یک قاعده مطلقی راجع به نیّت می‌گوید که هم نیّت سوء را در برمی‌گیرد و هم نیّت خیر را در برمی‌گیرد، چند روایت در وسائل دارد که بیان می‌کنیم.

روایات در جلد اول وسائل، اول کتاب طهارت، ابواب مقدمات عبادات، است، باب پنجم، حدیث بدین شرح است: احمد بن محمد بن خالد برقی در محاسن عن علی بن حکم عن ابی عروة السلمی عن ابی‌عبدالله علیه‌السلام «إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَة»، این حدیث می‌فرماید: خداوند مردم را بر اساس نیاتشان محشور می‌کند، یعنی با نیّت‌هایشان محشور می‌شوند، ممکن است کسانی بگویند این روایت از دو جهت اطلاق دارد، از نظر سندی این روایت تام نیست، ظاهراً ابی عروه توثیق ندارد، از لحاظ کتاب محاسن هم یک بحثی وجود دارد که بعضی این کتاب را می‌پذیرند، بعضی نمی‌پذیرند، البته راجع به محاسن برقی و کتابش قبلاً بحث مختصری داشتیم، جای بحث بیشتری هم دارد.

# اطلاق روایت طایفه اول

از لحاظ دلالی «إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَة» از دو جهت ممکن است بگوییم: اطلاق دارد:

1 – نیات؛ همان‌طور که نیات خیر را در برمی‌گیرد، نیات شر را هم در برمی‌گیرد، امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: خداوند بر اساس نیات آدم‌ها را به سمت عذاب یا ثواب محشور می‌کند، اعم از این است که نیات سوء باشد یا نیات خیر باشد، یعنی اگر نیّت خیر دارد، او را با خیرات محشور می‌کند، اگر نیّت سوء هم باشد، با عذاب محشور می‌شود.

2 – این نیات اعم از نیات مقرون به عمل یا غیر مقرون به عمل است، چون گاهی نیّت خیر یا شرّی کرده، به دنبال آن‌هم اقدام کرده است، گاهی هست که نیت را انجام داده است، اما به عمل نرسیده است، باید بگوییم که هر دو را در برمی‌گیرد، برای اینکه اگر بگوییم: فقط آن نیات مقرون به عمل را می‌گوید، در این صورت از بحث مجرد نیات بیرون می‌رود، اگر فقط نیات مقرون به عمل باشد، می‌گوید: این عمل‌هایتان بر اساس نیّاتتان در حشرتان اثر می‌گذارد، اما اینکه خود نیات به‌تنهایی منشأ آثار باشد، دلالت نمی‌کند.

اطلاق اولش روشن است که یحشر الناس علی نیّاتهم إن خیراً فخیرٌ إن شرّاً فشرٌّ، هر دو را در برمی‌گیرد، اما اطلاق دوم یک مقداری موردتردید است، ممکن است بگوییم: «إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَة»، می‌خواهد بگوید: عمل‌های شما به نیات شما وابسته است، اگر نیّت خوب بود، عمل خوب می‌شود، اگر نیّت خوب نبود، عمل خوب نیست، این بعید نیست که علی‌رغم اینکه ظاهرش یک اطلاقی دارد، درواقع انصراف به نیات مقرونه به عمل داشته باشد، مطلق نیات نیست، ازاین‌جهت این روایت از نظر سندی خالی از اشکال نیست، دلالتش هم محل تردید است، بعید نیست انصراف به نیات مقرون به عمل داشته باشد.

سؤال...

جواب: اگر اطلاق دومش را بپذیریم، تجری را هم در برمی‌گیرد و مطلق نیات سوء را در برمی‌گیرد.

سؤال...

جواب: اگر اطلاق دوم را بپذیریم، مضمونش آیه اول می‌شود: **﴿إِنْ تُبْدُوا ما في‏ أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحاسِبْكُمْ بِهِ اللَّه﴾[[1]](#footnote-1)**‏، البته آیه فراتر از این بود، چون امور درونی مثل کفر و ایمان را هم در برمی‌گرفت، اما این اطلاق این‌طور نیست، وقتی نیّت را می‌گوییم، یعنی مربوط به اعمال است.

# نیّت و همت

کلمه نیّت و همت در این روایات داریم، نیّت و همت نسبت به افکار درونی اخص است، نیّت و همت یعنی تصمیم نسبت به یک عمل خارجی، اما آنجایی که می‌گوید: **﴿ما في‏ أَنْفُسِكُمْ﴾**، به خداوند ایمان دارد یا معاذ الله کفر به خداوند دارد، ایمان و کفر تصمیم به یک عمل خاص نیست، خودش یک امر مستقل درونی است، لذا آن آیه یا بعضی از ادله می‌گوید: به آن امور درونی شما هم ثواب و عقاب می‌دهیم، آن اعم از نیّت و همت و قصد و تصمیم یک عمل است، اما هرجایی که نیّت و همت آمده است، یعنی آن عمل درونی و افکار درونی و اراده درونی که معطوف به یک عمل است، لذا اگر اطلاق دوم را بپذیریم، گوشه‌ای از مدلول آیه می‌شود که آن فراتر بود، هم نیات عمل را در برمی‌گرفت، هم آن امور درونی مثل ایمان و کفر و فضائل و رذایل اخلاقی را در برمی‌گرفت.

سؤال...

جواب: وقتی فضای «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏»[[2]](#footnote-2) در ذهن انسان بیاید، شاید موجب انصرافی بشود.

# طایفه دوم

روایت دوم؛ حدیث هفتم همین باب پنجم ابواب مقدمات عبادات وسائل است که مرسله است، بعدازاینکه می‌فرمایند: روی عن النبی أنّه قال «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏»، مرحوم شیخ در تهذیب فرموده که و روی أنّه قال «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» و «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»، حدیث «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» ربطی به بحث ما ندارد، اما بعدازآن ذکر شده که «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»، دو اطلاق قبل را در اینجا هم می‌شود گفت، اولاً؛ ما نوی اعم از خیر و شر است، ثانیاً؛ اعم از نیّتی که به عمل برسد یا نیّت مجرد از عمل باشد، در این صورت با انقیاد و تجری ارتباط پیدا می‌کند.

این روایت هم سندش مقطوعه و مرسله است، مخصوصاً ذکر شده که «روی» و «قال» را ذکر نکرده است، اسناد جازم نیست، لذا خالی از اشکال نیست، ثانیاً؛ اطلاق دومی‌اش محل تردید است، مخصوصاً در کنار «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» قرار گرفته است، ممکن است بگوییم که «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»، یعنی آن عملی را که انجام می‌دهد، بر اساس همین نیّت است، نه نیّت مجرد از عمل که شخص از آن بهره می‌برد، ثالثاً؛ در اینجا «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»، می‌گوید: شخص از نیّت سود یا زیان می‌برد، زیان و سودش ممکن است اخروی که حکم ساز است، نباشد، حکم الزامی تولید نکند، اینکه می‌فرمایند: «یحشر الناس علی نیّاتهم»، حشر با ثواب و عذاب ممکن بود و ممکن بود که حکم الزامی از آن استفاده بشود، اما اینجا می‌گوید: «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»، سود و زیانش برای شخص بر اساس نیّتش است، سود و زیان ممکن است در حد حکم الزامی نباشد، آثار وضعی باشد که دارد، لذا ازاین‌جهت یک آثار محدودتر اخروی که در حد حکم‌های استحباب و کراهت است.

# طایفه سوم

روایت سوم؛ حدیث دهم همین باب پنجم ابواب مقدمات عبادات وسائل است که به لحاظ سندی اشکال دارد، از مجالس نقل شده، عن جماعة عن ابی المفضل عن احمد بن اسحق بن عباس موسوی عن ابیه عن اسماعیل بن محمد بن اسحق بن محمد عن علی بن جعفر بن محمد و علی بن موسی بن جعفر عن اخیه عن ابیه موسی بن جعفر عن آبائه علیه‌السلام که به امام کاظم علیه‌السلام و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم می‌رسد که فرمودند: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى فَمَنْ غَزَا ابْتِغَاءَ مَا عِنْدَ اللَّهِ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّه‏»[[3]](#footnote-3)؛ کسی که در غزه‌ای برای خدا شرکت بکند، اجرش با خداوند تبارک‌وتعالی است، « وَ مَنْ غَزَا يُرِيدُ عَرَضَ الدُّنْيَا أَوْ نَوَى عِقَالًا لَمْ يَكُنْ لَهُ إِلَّا مَا نَوَى‏»[[4]](#footnote-4)، اما کسی به خاطر دنیا به جنگ رفته است، برای او غیر از نیتی که کرده نیست.

چند نفر از کسانی که در این روایت ذکرشده‌اند، توثیق ندارند، اما مدلولش طبعاً همان «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» است، همان نکته‌هایی که در بحث‌های قبلی گفتیم، در اینجا هم از نظر سند و دلالت وارد است، بخصوص که اینجا مترتب کرده بر «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» یک نیتی که با عمل است، یعنی وارد جنگ شده، منتهی با یک نیّت مجاهد واقعی می‌شود که مشمول عنایت و ثواب الهی می‌شود، با یک نیت دیگر، دنیوی است و شخص را به دنیای خودش حواله می‌شود که کمی عدم اطلاق را تقویت می‌کند، در نیّت عمل آورده است، مثل تجری یا انقیاد که فقط نیت کرده و به عمل نرسیده است، نیست.

مضمون «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» که برای ما مفید است، مقصود نیست، بلکه روایات دیگر برای مضمون «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏» هست، مثل روایت اول همین باب وسائل ذکر شده است که «لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّة»[[5]](#footnote-5)، «وَ لَا قَوْلَ وَ لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّة»[[6]](#footnote-6)، روایت سومش هم به همین صورت است، روایت چهارم هم به همین صورت است، بعضی از آن‌ها هم شاید معتبر باشد.

این مطلبی که ایشان اشاره کردند، این است که ممکن است بگوییم: «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» در چند روایت ذکر شده است، ما می‌گوییم: اگر تعدد روایات بود، ولو اینکه سندهایشان هم قبول نیست، اما قابل تصحیح است، بخصوص که این روایت در مجامع متعدد و معتبر ذکر شده است و به‌گونه‌ای هم تلقی به قبول‌شده است، در اصل اول هم «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّات‏»، تلقی به قبول‌شده است، ازاین‌جهت است که این مضمون از نظر سندی قابل‌قبول است، ولو اینکه جداگانه مشکلی داشته باشد.

اینجا که با ضمّ روایات و استفاضه و جبر ضعف سند به آن اشتهار بین محدثین و قدما یک روایت و مضمونی را می‌پذیریم، می‌گوید باید قدر متیقنش را گرفت، همین‌که اعمال شما وابسته به نیات است، اینکه نیّت با عمل تعیین‌کننده حقیقت عمل است، به همین اندازه قدر متیقن می‌شود، اما اینکه بگوییم: این‌ها ضمن اینکه این‌ها را به هم گره می‌زنیم، یک اطلاق هم درست می‌کنیم، حتی نیّت‌هایی که به عمل هم نمی‌انجامد، آن‌هم مشمول ثواب و عقاب است، با این استفاضه و اشتهاره روایت، به این اندازه نمی‌شود جلو رفت.

به‌عبارت‌دیگر؛ مضمون «العمل متقوّمٌ بنیّة»، در چندین روایت ذکر شده است، این مضمون درستی است و حتماً از معصوم صادر شده است، اما اینکه «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»، حتی اگر نیّت بدون عمل باشد، نمی‌توانیم بگوییم که احراز به قبول شده است، از نظر سندی مشکل دارد، همچنین درست نیست که مضمون «وَ لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»، با وجه اطلاقش استفاضه دارد.

سؤال...

جواب: اقسامی دارد، گاهی کسی یک نیّت کرده است، بعد خودش منصرف می‌شود، در کلام شیخ هم هست، گاهی اوقات نیّت کرده، اما مانع نگذاشت که او انجام بدهد، اگر مانع برطرف شد، اما روی موضع خودش باقی ماند، گاهی هست که نیّت آمد و تصمیم هم گرفت و برگشت، گاهی هست که نیّت می‌کند و اقدام مقدماتش هم می‌کند و بعد برمی‌گردد، گاهی اقدام مقدمات نمی‌کند و برمی‌گردد، گاهی اقدام به مقدمات کرده است تا آخر هم قرار هست انجام بدهد، منتهی مانع جلوی آن را گرفت، البته این اطلاق دارد، این‌طور اطلاقی را نتوانستیم ثابت بکنیم.

سؤال...

جواب: باید فضای کل شرع را مشاهده بکنیم که در شریعت، خطابات عمدتاً روی اعمال آمده است، این روایات می‌گوید: این اعمالی که ما گفتیم، به نیات است، روحشان تصمیم و اراده‌های شما است که اگر آن باشد، خوب می‌شود، اگر نباشد، همین هم خوب نیست، مثلاً؛ در جنگ شرکت کرده و این شکل است، روحش این است که به چه دلیل جنگ رفتی؟ نماز شب می‌خواند، روحش این است که برای چه کسی می‌خواند؟

البته روایت می‌فرماید: «إن تبدوا ما فی أنفسکم أو تخفوه یحاسبکم به الله»، جریانات درونی شما موردمحاسبه قرار می‌گیرد.

سؤال...

جواب: آن را بحث کردیم، حداقل از کسانی هستیم که می‌گوییم: باید چند باب فقهی بر اساس اعمال جوانحی تأسیس کرد که کار شده است و منتشر هم می‌شود، آن را قبول داریم، اما می‌خواهیم بگوییم: مجموعه این روایات نمی‌تواند آن حرف را به ما بزند، وگرنه ما آن بحث را قبول داریم و جای دیگر هم اثبات کردیم، از جمله در آیه «إن تبدوا أنفسکم...»، اما از این روایات اگر بخواهیم بگوییم: نیات مستقلاً مورد ثواب و عقاب قرار می‌گیرد، این مشکل است.

سؤال...

جواب: این ارشادها منافات با مولویت ندارد، اصل این است که اعمال مولویت می‌کند، می‌فرمایند: امرونهی‌هایی که کردم، روحش این است.

سؤال...

جواب: عقل می‌فهمد، امضائی بودن معنایش این نیست که مولوی نیست، این بعضی است که روشنفکران می‌گویند، بلکه می‌گوید: مواردی که عقل می‌فهمد و در شریعت آمده است، این حکم شرع نیست، بلکه ارشاد است.

سؤال...

جواب: ما می‌گوییم: اصل در روایات مولویت است، خواه آنجایی که تأسیس یک معرفت یا حکم جدیدی می‌کند، خواه آنجایی که امضاء می‌کند، به نحوی ارشاد به معنای مطلق می‌کند، این بازهم مولوی است، آنی که می‌گوییم ارشادی است، دو معنای دیگری دارد که غیر از این است که حکم شرعی در آن نیست، در اینجا ارشادی بودن با حکم شرعی داشتن منافات ندارد.

سؤال...

جواب: ارشادی را در چندین جلسه بحث کردیم، در جلد اول فقه تربیتی ذکر شده، در جلسات بعدی هم باز تکمیل کردیم، چندمعنا دارد که به بعضی از معنایی؛ قسیم مولویت است و به بعضی معنای؛ همراه با مولویت است، از جمله در این‌طور موارد.

طایفه دوم

طایفه‌ای که می‌گوید: به طور خاص ما بر نیات سوء عقاب می‌کنیم، بعضی را بیان کردیم، طایفه دوم که یفید العقاب علی نیات سوء بخصوصها؛ بخصوص نیات سوء مورد حساب قرار می‌گیرد، در اینجا چند روایت هست:

1 – حدیث سوم از باب ششم در مقدمات عبادات جلد اول وسائل است، روایت سکونی که «نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ»[[7]](#footnote-7) است، بحث‌های دلالیش را بیان کردیم.

2 – حدیث چهارم از باب ششم در مقدمات عبادات جلد اول وسائل است که بیان کردیم، روایت خالی از ضعف نیست، عنه عن ابی عن القاسم بن محمد عن المنقری عن احمد بن یوسف عن ابی هاشم، چند نفر از این افراد توثیقشان تام نیست، از جمله قاسم بن محمد، این روایت مشهور است که امام صادق علیه‌السلام فرمودند: «إِنَّمَا خُلِّدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا...»[[8]](#footnote-8)، نیّت ها منشأ خلود می‌شود، نه‌تنها بر نیّت‌ها عقاب می‌کنیم، بلکه نیّت ها منشأ خلود می‌شود، البته این هم اختصاص دارد به نیّت‌هایی که فرد روی آن پافشاری می‌کند، صرف خطورات ذهن نیست، نیّت‌های فرضی که روی آن پافشاری می‌کند.

3 – حدیث پانزدهم باب ششم در مقدمات عبادات جلد اول وسائل است، بعضی از افراد توثیق تامی ندارد، زید شحام می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم که «سَمِعْتُكَ تَقُولُ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ فَكَيْفَ تَكُونُ النِّيَّةُ خَيْراً مِنَ الْعَمَلِ قَالَ لِأَنَّ الْعَمَلَ رُبَّمَا كَانَ رِيَاءً لِلْمَخْلُوقِينَ وَ النِّيَّةُ خَالِصَةٌ لِرَبِّ الْعَالَمِين‏»[[9]](#footnote-9)، این در نیّت خیر است، چون نیّت سوء و خیر باهم در روایات ذکر شده است، می‌تواند نیّت سوء را هم در بربگیرد و تأکید می‌کند بر اینکه نیّت خیر و نیّت سوء مشمول عقاب الهی است.

4 – حدیث یک باب هفتم در مقدمات عبادات جلد اول وسائل است، محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن علی بن حکیم عن عمر بن یزید، این روایت قابل توثیق است، عن ابی عبد الله فی حدیثٍ أنّ الرسول الله صلی الله علیه و آله و سلّم کان یقول «مَنْ أَسَرَّ سَرِيرَةً رَدَّاهُ اللَّهُ رِدَاهَا إِنْ خَيْراً فَخَيْرٌ وَ إِنْ شَرّاً فَشَرٌ»[[10]](#footnote-10)؛ کسی که چیزی را در نهان مخفی بدارد، خداوند همان رداء را بر او می‌پوشاند، «إِنْ خَيْراً فَخَيْرٌ وَ إِنْ شَرّاً فَشَرٌ»؛ خداوند لباس آن سریره را به او می‌پوشاند، اگر خوب باشد، لباس خوب می‌پوشاند، اگر بد باشد، لباس بد بر او می‌پوشاند، این روایت بعید نیست که اطلاق هم داشته باشد.

1. . سوره بقره، آیه 284. [↑](#footnote-ref-1)
2. . وسائل الشيعة، ج‏1، ص: 48. [↑](#footnote-ref-2)
3. . وسائل الشيعة، ج‏1، ص: 49. [↑](#footnote-ref-3)
4. . همان. [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان، ص 46. [↑](#footnote-ref-5)
6. . همان، ص 48. [↑](#footnote-ref-6)
7. . وسائل الشيعة، ج‏1، ص: 50. [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان. [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان، ص 53. [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان، ص 57. [↑](#footnote-ref-10)